

نداء خلق

صاحب امتیاز
دكتور عبد الرحمن محمودی
مدیر مسئول
انجینیر ولی احمد عطاشی
هر دوشنبه و پنجشنبه به پشتو و -
قا رسی نشر میشود

نامه ملی ادبی - سیاسی و اجتماعی

جاده میوند - کابل
نمبر تیلیفون -
ادرس تلگرافی "خلق"
تا سیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

پنجشنبه ۲۲ حمل ۱۳۳۰

سال اول

شماره چهارم

شاغلی نهضت

اولتر از همه جا مه را باید زنده کرد
امروز همتا طوریکه دنیا ابتکارات ساینسی و علمی خود را
در مقابل چشم ما جلوه میدهد و رویدادهای پر کیف و -
آبرو مند روز خود را هر شب بگوش ما میروساند از طرز
حیات اجتماعی - سیاسی و اداری ما هم اطلاعی کامل دارد
ما اذعان داریم که احوال تاریک مادر جهان روشن
آفتاب بیست و لذا خیانت میدانیم که از شرح موجبات بد
بختی خود نتگ و وامه کنیم و طرق اصلاح انرا با اقتراح
نگذاریم ما باید از دنیای پیشرفته که هر آن با وی در
تماسیم تجربه اموخته و حرکت انرا حرارتی پیدا کنیم
جوامع بشری اعم از سیاه و سپید - کوچک و بزرگ -
مستقل و غیر مستقل - امروز دنیای خود را میدان مسابقه
علم - فضل و کمال قرار داده اند - امروز بجز از ما
همه ملل و سایل راحت و سعادت خود را تکمیل کرده اند
و دیگر آنچه میکنند تفتنی است که در تمدن بکار می
برند - ولی ما و محیط افسرده ما اگر به کفر نگیرند
آینه این دو مصرعیم :

با غبار غمره و گل میکس و گلچین گستاخ

من فقط خون دلی میخورم و نا شادم

وظیفه نویسنده است وقتی قلم بدست میگیرد با بر
سر عقل آئین و وجدان نگذاشته و درین جریده ملی
که برای انعکاس حقیقت حال ملت اینه راستگو و بیغبار
است راست بنویسد ولی ای خواننده عزیز از تو هم جدا
تمنای میرود تا آنچه به منفعت خود و کشور تمام میشود
بشنو و از گوش بهوش بسیار و بکار بند تا علمت بیصم
و عملت بی ثمر نگردد . تا بحال آنچه خواندید و شنیدیم
غالباً یا اغفال بود و حاشیه و یا استرضای خاطر
بزرگان و این یکی از عوامل مشغولی بود که محیط ما
را محیط افراط و تفریط ساخت - یکطرفه عده قاهر -
مضروب - خود سر - بیدرد عبد النفس - تفرقه انگیز -

بقیه در صفحه ۲

عذر معقول و برهان قاطع!!!

اگر از يك وزیر بیروسیم که چرا در مملکت فقر - قاحه
گرسنگی - مریضی - خرابی سرکها - بندها - نهروها
و تعفن و فساد عمومی حاکمیت دارد ؟ چرا مملکت روز
بروز فقیر تر و نا توانتر و خلق بد بخت تر و بینواتر
میشوند ؟ چرا سویه تعلیمی طلاب روز بروز پست تر شده
رفته - از صنف دوازده تقریباً بیسواد خارج شده و چرا
در مقابل بیسواد عمومی مجادله بعمل نمی آید ؟ چرا
مزاران نفر در مملکت در مفارها با حیوانات و سویه
حیوانات زیسته و چرا بتعداد داکترها - قابله ها و -
شفاخانه ها افزوده نمیشود ؟ چرا بجز در شهر کابل در
ولایات قابله های با تربیه وجود ندارد ؟ چرا عساکری
را که ترخیص میکنید مجبور باشند که چند وقت گلکاری
و فقیری نمایند تا پول کرایه مو تر و وسیله رفتن به
خانه خود را بیابند ؟ چرا در مقابل حمای لکه دار
محرره ملاریا و فرنگی مجادله نمی نمائید ؟ چرا این
مملکت وسیع را که مساحت آن از فرانسه بیشتر است قابل
زراعت ساخته و به تولیدات زراعتی مملکت نمی افزائید
چرا در عوض بیل و کلند و احوال زراعت دو هزار سال -
قبل دماقین را تربیه نکرده و ماشین های زراعتی وارد
نمیکنید ؟ خلاصه چرا چنین نمیکنید و چنان نمی نمائید
تا مملکت آباد و قوم راحت گردد ؟

بمجردیکه این سوالات را وارد کنید شاغلی وزیر که در
يك اطاق لوکس و تقریباً مشا به اطاق سائیزوای عالم
در عقب يك میز بزرگ مفش و لوکس - بر جوکی ملو و
مچرخ و لوکس غسته اند فوراً آه سردی از دل پردرد
کشیده و دوری بچوکی داده و بشما میفرمایند :

بقیه در صفحه ۴

شا غلی رحیم غفوری

خبرهای آژانس دنا: قراریکه اطلاع میدهند تقریباً

ما حق ما که آزاد میخوایم همه میدانیم از وقتی که افراد بشر زنده گی بدوی را ترک گفته و کم کم گرد هم جمع گشته اند برای تأییم نمودن شیرازهٔ حیات اجتماعی بوسیلهٔ عوامل متشکله شده اند که در آن مصونیت و تأمین زنده گی شان بیشتر - مرکوز بوده و گویا بشر بنای زندگی اجتماعی خود را از اول بر اساس قانون و قضاوت استوار ساخته است اینک روی هم رفته تشکیل اساسی ممالک مدنی امروز بر سه رکن عمدهٔ قوهٔ مقننه - اجراییه - و قضائیه استوار میباشد - ولی آنچه مطمح نظر ماست این است که اگر در مملکتی یکی از این سه قوه بصورت صحیح و مقتضی کار نمیکند شیرازهٔ نظام اجتماعی از بین رفته و بنیاد آن متزلزل میگردد . کسانیکه باین اساسات سه گانه و قومی قایل نمیشوند مسلماً بقانون ناموس زندگی اجتماعی معتاد نبوده و مملکتی که این ارکان ثلاثه دیموکراسی در آنجا استقلال نسبی ندارد نمیتوان آن را دارای - نظام مدنی اجتماع خواند - مملکت ما هم که امکان ندارد از تشکیلات اساسی مدنی صرف نظر نماید و باز بحالت بدویت و زندگی ارتجاعی تمایل کند خواهی نخواهی بتشکیل نظام اجتماعی خود مجبور بوده و لازم است که اساس حکومت مشروطه خویش را بر روی ارکان ثلاثه مذکوره بگذارد - منجمله بقوه قضائیه یعنی محاکم عدلیه بیشتر عطف توجه لازم است تا مطابق با حکام شرع متین محمدی و قوانین مدنی راحت و سعادت خلقي در مملکت تأمین گردد . از همه مهمتر برای مصونیت زندگی افراد محاکمه علنی و آزاد را که تا کنون مخصوصاً در اتهامات سیاسی - صلا وجود نداشته دایر نمودن حتمی است تا هر فردی بتواند از حق خود دفاع و لافل مالیت اتهام و قضیه را که بآن متهم شده است بداند - اساساً آزادی محاکمه یک رکن بزرگ آزادی و دیموکراسی بوده و وقتی که يك عمل جرم شناخته شده و ارتکاب آن خلاف قانون اجتماع بوده و اضرار آن متوجه جماعت گردد پس جمعیت حق پیدا میکند مجرم را محاکمه و یا لافل از محاکمه آن واقف شود .

ما از شورای ملی و قوهٔ مجریه مملکت جدا افتاد میمانیم که گذشته را گذشته بگذاریم و بگذاریم در آینده محاکمه اشخاص و مخصوصاً افراد بر اکمالات آنها وقف بهیچ وجه نبوده و هر قدر می بینیم نظام و اصول دین را در میان موجودات علنی و پنهانی

سه هزار نفر دکاندار بر علیه اعلان ترتیب بسته قیمت های اموال وارده اعتصاب نموده و دکانهای خود را بسته اند - اطلاع ما بعد میرساند که یکنفر محمد عمر نام یکی از وکلاء بلدیه از زمرهٔ دکانداران حبس شده و شاغلی رئیس امنیه محمد اکبر خان و شاغلی قوماندان امنیه در کول استقلال در جمعیت مردم حاضر شده و آنها را با زور منطق و براهین قاطع براگنده ساخت (الحکم لله) میگویند : معاش ما مورین امسال در شرف زیاد شدن بوده و وزارت اقتصاد و مالیه مشغول یافتن مدارك عایدات برای اینکار اند .

میگویند : استاد محمود خان طبله چی که در فن خود هنرمند ما هری بود چندی قبل مرد و استاد غلام حسین خان را چندین ساعت سرگردان ساخت که برای کفن او يك مشت پولی تهیه کند (این است ارزش هنر در کشور - پس سعی کنید هنر مند شوید) .

میگویند : در امور سینما اختلاسی بعمل آمده و در نتیجه مدیر عمومی سینما بر طرف و عدهٔ از ما مورین حبس شده اند میگویند : دو نفر از اعضای کابینه یعنی شاغلی وزیر مالیه و رئیس زراعت بنا بر مشکلات وارده استعفاداده اند بقیه اولتراز همه جامعه را باید ..

فاندر رحم و عاطفه بوجود آمده و در مقابل مردم افسرد خاطر - تار يك مغز - مداح - جا بلوس - شتمکش - آله دست و ناتوان و برای قبول هر گونه ظلم و ناروایی سر افتاده تسلیم بوجود آمده است . خوب بگفته شاغلی محمودی ما که ما مور تصفیهٔ ماضیه نیستیم و بجز گرفتن پند از گذشته بآن کاری نداریم - موضوع بحث ما فکرا بنده مردم مظلوم و بیچاره ایست که با داشتن استعداد ذاتی و هزاران و دایع گرانبها در تمام دنیا تنها ملتی است که از رشد عقلی و اجتماعی و حقوق سیاسی خود محروم مانده و بطوری فشار روحی و اقتصادی حیات نیمه اش را تهدید میکند که اگر همت های مردانه دستگیرش نشود بزودی از پا در خواهد آمد . پس ای جوان مغرور اگر راستی در وطن داری و نمیخواهی جامعهات بفتنا و زوال مواجه شود با این جرائیم تفرقه انگیز و برتری جو که جامعه را بگودال افتاد و نیستی بنا میهای سنی - شیعه - بزرگ - تاجک - و زرتشتی و گد و خیل میکشاند بنایت پاک و هفت و جان مجادله نما .

بقیه عذر مجتول و ...

جانم! از بودجه مملکت واقف نیستید مملکت فقیر و غریب است عایدات مملکت برای مصارف آن کفایت نمیکند. ملل گیتی برای انهمه پلانیها بودجه کافی و ثروت زیاد دارند میدانید کار هر کس در خورتوان مالی و بودجه وی اوست با تشکر خندی نموده و میفرمایند - شما جوانها بیتجربه بوده و از درد دل کسانیکه مشغول کارند و هر روز با عزاران موانع مواجه میشوند واقف نیستید - گفتن آسان و کار کردن دشوار است - میبینید که تقریباً همه ملت بیسواد بوده و در مقابل پلانیهای مفید حکومت مانع بزرگی اند - این گفته ها همه معقولست - آقایون درین فرمایشات همه حق میفرمایند - حال اگر بپرسید که چرا بودجه مملکت را نشر نکرده و این مشکلات خود را علناً بجراید اعلان ننموده و چرا مردم را از علت حقیقی بد بختی - شان واقف نساخته و آنها را با امداد دعوت نمی نمائید

و چرا از پیشرفت پلانیها و خدمات و ماینها و عدایات شما روزنامه های پر شده ؟ بجواب نمیدانم چه خواهند گفت آیا نمی رنجند اگر عرض نمائیم که آقایون! شما هم وزیر یک مملکت فقیر - غریب - مریض - گرسنه و بینوا شید آخر چرا از عمارات مزین و بزرگ - اطاقها و مقروشات لوکس موترهای لوکس و مصارف لوکس نمیگذرید - شاید سکوت کرده و یا جواب دهند که قدا کاری که در قبول وزارت این توده پسمانده کرده اند کم است که باز هم قدا کار نمایند - اما استعفا از ترس مسئولیت که اکنون مود نشده است - (محمودی)

از حاشیه قلموس ملانصر الدین :

هیئت مدیره شرکتهای مجلس چند نفر بیسواد و تصویب در امور فنی و اقتصادی و فیصله بمقادیر چند نفر ولویض در تمام ملت باشد .

همت - تسلیم و رضا .

یونسکو - موسسه عرفانی بین المللی که رابورا ورا حتی در افغانستان هم کسی اهمیت و قیمت نداده . کلبه غربا - صحنه درامه های خونین و تراژیک و مد فست امیدها و آرزوها .

کلوب ملی - مجمع تقریباً همه مامورین بزرگ و حزب نیم رسمی که با داشتن یکصد و چند عضو می دارند در انتخابات آینده اکثریت چو کبهای شوری را گرفته و حکومت را بطریق دیموکراسی (؟؟) تشکیل کنند .

شاغلی سکندر شاه

مکتوب وارده :

ما به پولیس های باتربیه محتاجیم روز ۱۹ حمل ساعت ده ضعیفه میل داشت بسر خود را در تو قیضخانه ببینند - بر خلاف قانون جاریه منقضی - نمیدند - خواست بدر بار قوماندان امنیه رسیده و امری صادر کنند او را نگذاشتند اصرار کرد ولی اصرار ضعیفه آتش غضب ضابطه نو کرمیوال را تحریک کرده و لگدی به سینه مادر بیچاره زده و او را از زینه های سنگی دادگاه امنیه (؟) بپاک انداخت - و سر مامور - بیچاره را در حال بییهوشی بشفاخانه نقل داد - مرگ و زنده گی این زرفقیر تا کتون نزد ما معلوم نیست - اینست نمونه از رفتار دیموکراسی و آنهم در مرکز با یتخت و روز روشن با مردم و همین است مثال زنده از انجام وظیفه محافظین ناموس ملت !!

کهنه ترین خبرهای روز :

آژانس داخک با سایر اطلاعات موثوق خبر میدهند که دشمنان دیموکراسی یعنی آنها شیکه در طرز اداره بگیر و ببند و بکش و بزن منافع شخصی دارند در صدند با ساختن خبرهای دروغی و اطلاعات بی اساس اراکین دولت ابد مدت را که تازه بسوی دیموکراسی تمایل نشان داده اند مضطرب ساخته و نشرات دوسه روز نامه ملی را که تازه بمیان آمده اند علت تیزی احساس خلق در مرکز و انمود کنند - و با اصطلاح باز آب را خت کرده و ماهی بگیرند ولی ما یقین داریم که اولیای دولت برای منافع چند نفر گوشه یابین خبرهای خود ساخت نداده و نخواهند گذاشت که محاکمه فردا آنها را مسئول بد بختی ها و سیاه روزی های امروزی قلمداد کند - شاید تعهداتی هم دریوتو در میان بوده و سیر گیتی هم در نظر باشد -

آرزوی ما از هموطنان گرامی

از هموطنان محترم آرزو مندیم قطع جریده ما را بنظر گرفته و مقالات خویش را مختصر خوانا و با آدرس مکمل خود بفرستند و ما را مننون گردانند . (اداره)

شرح اشتراک

کابل : ۴ افغانی سالانه

ولایات : ۴۵ در در

خارج : ۵ دالر در

قیمت پست ۵۰ پول
مطبوعه : گسترش خلقی نداء خلق کابل

شاغلی آیتیه

آبرو است یا آب جـو ؟

معاشرت امروز و آنهم در جمعیت داخل وطن - آیتیه بدون امتیاز طبقه - نسب - رتبه - ثروت - جای داد - القاب و نفوذ ایجاب احترام متقابل را مینماید . از انسان گرسنه تا محکوم پایدار شریف است ما که عزت و حرمت خود را مایلیم در نظر آبی و خاکی و هوائی به بینیم و حتی بدون حق مزور تحصیل نمائیم پس چرا تاخت و تاز و هتاکای کار ماست . مردم افتاده طبعاً جز در سودای تن و شکم فرصتی برای این گپها ندارند مؤشستوند و بر آنها وارد گردد مانند کلنج چشم دار از بد بد ترش ترسیده و جرئت دفاع هم در آنها نیست . چون روحیه ضعیف و اساساً نمی فهمند حقوق فردی و اجتماعی نقوس در وطنش که تذکره تبعیت به دست دارد و تهء يك پرچم رعیت گفته میشوند چیست ؟ علاوه تلقینی نیز در زمینه بدانها نشده و خود را - ابدان نمی شناسند - لهذا آبرو و موقعیت اجتماعی خود را و قهی نگذاشته و در مقابل هتاکای - تحقیر و تعرض هوی روز بروز بست گردیده و اخلاقاً سقوط مینمایند - وانگاه جرم - جنایت - اعمال قبیحه و عدم احترام متقابل در نهادشان می نهیند و از هیچ چیز باک نداشته و بایستی آبروشی عادت میگیرند . شما خواننده گان گرامی - مشاهدات - خاطرات و حوادثیکه شب و روز عمریداد مواجهه شده اید مراجعه نمائید و بعد افاضت کنید راستش کدام است ؟ بنده از یله گردان مهم و بر عکس در ماه یکم راتیه هم رجبخان معروف که خلقی به دنبال او سرگردان است مرا نمی یابد - هر جا سری زده ام . . . ناحیه ها - مقامات امنی - مضحکام حضور خوانین و قریه دار ده - هوی - صاحبکار و یا نفوذ ابدان بحرمت و شخصیت کمی اعتبار نمیدهند - دو دشنام که چیزی نیست از سبلی باران و جو بکاری شا توبه - تو گوئی اینها محسه دو ولت اند - خوا که بجرمی تحت اشتباه آبی آنوقت است که دست و مشك بسته چه پروزت آرند - شما بخاطر بسباید - تشکیلات

نا امید نباید بود ؟

شاغلی م کبیر عرفان
جوانان منبع قوت و قدرت و امید های آتیه این سر زمین بوده و اکنون که تازه بحرکت و جنبش آغاز کرده اند امید است فردا بتوانند با توان دست و دماغ خود کشتی میهن را با سر نشینان سیاه روزان بساحل امن و نجات برسانند - جوانان در مدارس می آموزند و در مکاتب و دارالفتوتها با معلومات و اسلحه که انسان - امروزی سخت بان نیاز مند است مجهز میشوند و برای مبارزه زنده گی آماده میگردند - آنها ئیکه درین - پرورشگاهها خوب حرف زده - خوب فکر کرده و خوب میفهمند - خوب میارزه نمودن و خوب کار کردن را نیز میاموزند - گویا مدارس و دارالفتوتها ماشین نیست که برای اجتماع پرزه های مفید و دلخواه تهیه مینماید در ممالک مدنی آموزشگاههای شان بر اساس تربیه استقلال استوار بوده و با اسلوب خاصی جوانان را برای مبارزه زنده گی تربیه مینمایند مام سخت محتاجیم که روش تربیه ممالک مدنی را تعقیب و اصول تربیه استبداد و تحکمی که ما را محکوم بفنا گردانیده است ترک گوئیم اکنون فرض منورین و یو بسنده گان مقتدر است که مهر دیروزی را از زبان قلم و بیان خویش بر داشته و برای رهنمونی جوانان که مردان فردا و مبارزین آتیه جمعیتند دروازه امیدی را باز نمایند .

x عرض و بهنار در دو لقا برای حفظ حقوق مادی و معنوی و امنیت فردی و اجتماعی ملل در دنیا بوجود آمده نه وارونه - نتیجه همه اوضاع همانا اینست که آبروها چون آبجو ریخته و شخصیکه عزت نفس و حرمت و آبرو در پیش هم وطنان و جامعه خود نداشته باشد آیا از او چه انتظار دارید ؟

ندا، خلق

محمد علی بیام

خلق خواهی اگر خبرشوی از ماجرای سبها گوش دل بیا بشنوی این ندا، خلق دوران صم و یکم برفت از میان و - زمین پس مجال گفت و شنود از خلق برخیزای جوان اگر در ملت است یا آنکه بودنی تو بفکر دوی خلق بگذرا امتیاز و نزاد و قبیله را - زیرا بدست خود زنی تیشه میبای از افتراق شیعه و سنی حذر یکن - و مردم منافق و شیطان تمامی بنیاد اتحاد و عزت را میزدنیست - تا آن زمان که اسرار انکای خلق گامی مشاعر افرقی نمیرود - شکر نفاق تا که بود پیش پای از دیده امید اگر یثگی بیام - شاید ندا خلق شود و همای خلق